

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

بحث ما در تطبیقات حقوقی موضوع کتابت بود.

بخشی از تطبیقات در آیین دادرسی مدنی ناظر به امور اتفاقی در طواری دادرسی است، این امور شامل سه عنوان کلی تأمین دلیل و تأمین خواسته و دستور موقت است. که این ها را در قسمت های مختلفی از قانون آورده است در مورد تأمین خواسته در ماده 108 مطرح کرده آنجا می گوید: «خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید». اصولاً تأمین خواسته معنایش این است که یک شخصی محتمل می داند که اگر چنانچه به فرض دعوی مالی مطالبه وجه دارد اگر بخواهد تا روز دادگاه صبر کند ممکن است مدیون، مال را از دسترس خود خارج کند برای این مسأله پیش بینی درخواست صدور قرار تأمین خواسته شده تا از قبل تقاضای توقف مالی داده می شود که ممکن است محکوم به واقع شود.

این تأمین خواسته در ماده 198 مطرح شده است، ضمن دادخواست اگر باشد لزوماً کتبی است و اگر قبل یا بعد از دادخواست باشد باید با تقدیم لایحه ای به دادگاه باشد اگرچه در فرم مخصوص نباشد و در هر صورت سند مکتوبی است که به دادگاه ارائه می شود.

همچنین تأمین دلیل (ماده 151) هم این طور است، اصل در بحث اثبات آن است که «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» زمانی اقامه بینه و ادله تاریخ برگزاری دادگاه است ولی ممکن است کسی می خواهد دعوی مطرح کند یا مطرح کرده و روز جلسه نرسیده می بیند اگر بخواهد صبر کند دلیلی دیگر باقی نمی ماند، مثلاً طرف مدعی است شهردای می خواهد خانه او را بدون جهت خراب کند، اگر بعد از تخریب باشد چطور می تواند ثابت کند که چه چیزهایی از بین رفته و جنس خانه از چه چیزی بوده است. اگر بخواهد دادخواست بدهد خانه او خراب می شود، در این جا تأمین دلیل می کند که همان لحظه درخواست می کند تا قراری صادر شود که مدیر دفتر دادگاه در معیت کارشناس تا این محلی که در معرض خرابی است را از نظر

زیربنا، مصالح به کار رفته و ارزش ارزیابی کند. یا گاهی ممکن است کسی مستندش شهادت یک شاهدی باشد که این شاهد در معرض عدم دسترسی است یعنی یا مشرف به موت است یا این که ممکن است عازم هجرتی از کشور به کشور دیگری باشد و دسترسی به او سخت شود، در این جا ذینفع قرار تأمین دلیل درخواست می‌کند که از طرف دادگاه، اظهارات شاهد را پیشاپیش استماع کند، این اظهاراتی که می‌شود و چه درخواستی که فرد می‌دهد همه به صورت کتبی صورت جلسه کتبی می‌شود و چیزی که در پرونده به صورت سند باقی می‌ماند مکتوبات است.

سومین مصداق، دستور موقت است که از آن به دادرسی فوری تعبیر می‌شود که در ماده 313 آمده است؛ در این جا هم در قانون آیین دادرسی مدنی درخواست دستور موقت ممکن است کتبی یا شفاهی باشد که دستور شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای درخواست کننده می‌رسد بنابراین باز هم جنبه مکتوب پیدا می‌کند.

همچنین در بحث ابلاغ برای احضار یا ابلاغ رأی یا ابلاغ اجرائیه به صورت مکتوب است که در ماده 67 آمده است و همچنین ماده 300 در مبحث ابلاغ دادنامه و همچنین در قانون اجرای احکام مدنی در ابلاغ اجرائیه به صورت کتبی تأکید شده است.

مبحث دیگری که داریم مبحث ادله اثبات دعوا است، در ماده 201 این قانون می‌گوید: که اگر اقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید، اقرار در دادگاه محسوب می‌شود. در غیر این صورت اقرار در خارج از دادگاه تلقی می‌شود.

البته می‌دانید که اقرار به مناسبت های مختلفی دارای تقسیمات گوناگون شده است؛ گاهی به اعتبار این است که اقراری که انجام شده چه کیفیتی دارد به منجز و معلق تقسیم می‌شود، گاهی اقرار بسیط، مقید یا مرکب می‌شود؛ گاهی به اعتبار محل اقرار در دادگاه و خارج از دادگاه تقسیم می‌شود ولی در این ماده قانون گذار می‌گوید ممکن است اقرار در دادخواست باشد که در این صورت مکتوب است یا حین مذاکره در دادگاه باشد که شفاهی است ولی در دادگاه صورت جلسه می‌شود، اگر خارج از دادگاه باشد برای اعتبار باید سند اقرار در دفتر خانه اسناد رسمی تنظیم شده باشد که باز هم کتبی می‌شود یا شهادت نامه ای بر اقرار تنظیم شده باشد که باز هم مصداق اقرار کتبی است، حتی اگر شهودی در خارج دادگاه شفاها شهادت بر اقرار شخصی بدهند در دادگاه صورت جلسه می‌شود.

سؤال: اگر دادگاه شفاها اقرار کرد، اعتبار آن به شفاهی بودن آن است و کتبی شدن چه ثمره ای در اعتبار آن دارد؟

پاسخ این است که اگر ما تعدد مراحل دادرسی نداشتیم این حرف شاید وجهی داشت ولی ما تعدد مراحل داریم یعنی الان طرف در شعبه دادگاه بدوی اقرار کرده و قاضی هم آن را صورت جلسه کرده است؛ همین پرونده وقتی به دادگاه بعدی می رود لزوماً افراد را احضار نمی کنند بلکه بر اساس همین مکتوبات نظر می دهند. لذا بازگشت این به اعتبار سند کتبی است که در مقررات آیین دادرسی است.

گرچه گفته می شود اصل در اقرار شفاهی بودن است ولی ملاحظه کردید که براساس الزام مقررات تبدیل به مکتوب می شود.

مرحله بعدی اسناد است که از ماده 206 تا 215 قانون آیین دادرسی ناظر به همین است که این اسناد مکتوب اعم از این که دفاتر بازرگانی، چک یا سفته باشند یا سند کتبی عادی یا رسمی باشد یا حتی مندرجات یک پرونده دیگری که در این پرونده مورد استناد است، در قانون آیین دادرسی مدنی فی الجمله به عنوان اسناد مکتوب قابل استناد مورد تصریح واقع شده است.

منتهی همانطور که قبلاً گفتیم در همه این موارد این طور نیست که این اسناد مطلقاً معتبر باشند بلکه اعتبارشان به وثوق است در قرار تأمین دلیل، مدیر دفتر و کارشناس گزارش نوشته اند این گذارش زمانی معتبر است که مدیر دفتر و کارشناس ثقة باشند و از اظهارات آنها اطمینان حاصل شود. بنابراین در بحث اسناد هم همین طور است.

و الحمد لله رب العالمین